

نگارش : آقای حسام مصطفوی
(قوام)

در جستجوی زبان تورانی

چشم و وضع قامت وقد اردستانیها شبیه هندیهاست
بعضی واژه های آنها از قبیل (آنک Angue)
بمعنای دهن (ملی meli) بمعنای گربه (تمریدن
Tamaridan) بمعنای شکستن و غیره شبیه زبان
اردو بلکه عیناً بمانند آنهاست (۱)

از طرف دیگر واژه این زبان کاملاً با واژه های
زبانی که در دوره شیخ صفی الدین اردبیلی نیز کم و
بیش در دهات اطراف اردبیل و تبریز و مراغه رایج
بوده است یکی است بطوریکه اگر بخواهند اشعاری
را که در زبان آذری سروده شده در زبان اردستانی
بسرایند بایستی با همان واژه و لهجه بسرایند (اگر
در یک دیه اندکی واژه تحریف شده باشد در دیه
دیگر عیناً همان است) این موضوع را داشته باشید تا
برویم بر سر اصل مطلب . ضمناً اینرا هم بدانید که
بسیاری از لغات اوستائی بازبان اردستانی یکی است
(مانند و فریعی برف و غیره) و من تعجب میکنم که
چگونه تاکنون این زبان مورد توجه دانشمندان زبان
شناس نشده است . لابد شاهم شنیده اید که در زمانی
اولاد حضرت آدم زیاد شدند و بهیچوجه براکنده
نمیشدند تا اینکه خداوند متعال کاری کرد که آنها
زبان یگدیگر را نفهمند و ناچار براکنده شده و هر
طایفه بجائی رفتند و این سخن از نظر علم هم صحیح
است زیرا جمعیت اولیه بشری هرگز کتاب نداشته
و حافظه اراهم آنقدرها قوی نبوده است تا بتواند
همه واژه هارا بخاطر بسپارد بنا براین وقتی جمعیت
اوبصدها هزار نفر رسید لابد آن کسیکه در

امیر علیشیر نوائی در محاکمة اللغتين خود
کوشیده است تا برتری ترکی (جفتائی) را بر فارسی
ثابت نماید و در این حال شواهدی را که برای اثبات
برتری آن زبان می آورد همه برهان برتری زبان
فارسی قرار میگیرد زیرا اشعاری را که میخواهد
بمعنای بهترین نمونه ارائه دهد اغلب نیمه ای از آنها
پارسی و نیمه دیگر ترکی است و سایر براهین و ادله
او هم هیچکدام پایه و مایه علمی ندارد . از این که
بگذریم و بحث در آنرا بمجال دیگری موکول نمائیم
در کتاب یا رساله امیر علیشیر یک نکته دیگر میتوان
یافت که معتنا به است و برای مقاله کنونی ما تا اندازه ای
مفید خواهد بود . امیر علیشیر میگوید که اساس زبان
های عالم سه زبان فارسی ، هندی و ترکی است و
سایر زبانها همه مأخوذ از این سه است که به اشکال
کوناگون درآمده است و این حرف اگرچه از نظر
مؤلف زیاد اهمیت ندارد ولی با کوششهاییکه اخیراً
نموده ام و مسائلی که در طی چند سال اخیر بر این
ثابت شده ، مسلم است که اگر دانشمندان در
تعقیب اثبات این نظر برآیند شاید روزی نوشته
امیر علیشیر صورت علمی بخود بگیرد .

(البته در این رشته تحقیقات باید متوجه
تغییرات معرفة الارضی و نژادی و جغرافیائی بوده و
نظر عمقی بمسائل ماقبل تاریخ و افسانه های مذهبی
داشته باشیم)

در چند سال قبل که این جانب مشغول تحقیق
در اطراف لغات اردستانی و نژاد اهالی اردستان
بودم غفلتاً متوجه شدم که علاوه بر اینکه رنگ چهره

بسیاری از واژه های ترکی زنجان و تبریز و غیره با زبان اردستانی یعنی همان زبان که با هندی و اوستایی و آذر بایجانی قدیم بگسان بود تطبیق میکند و از آن جمله است :

ترکی	اردستانی	فارسی
پیش	پیش	بختن
یورت	یوت	اطاق
ایندی	اتا	اینجا

وصدها لغت مانند اینها حتی با بعضی لغات فارسی امروزی از قبیل :

ترکی	فارسی
بیورود	بفرمائید
بیوک	بزرگ

که اکنون نمیخواهم همه را بنویسم و چون اندکی در اینخصوص روشن شدیم و اطمینان حاصل شد باید بگویم که آنچه را از واژه ها که شما تصور میکند تفاوت دارد اینطور نیست و قطعاً ارتباط دارد مثلاً

ترکی	فارسی
تا بدیم	یا قتم

که بر حسب قواعد (فیلو لوژی) تغییر شکل داده و بعضی که اصولی است مانند :

ترکی	فارسی
وارم	دارم

که بلاشك واو مبدل بدال شده است

چون ممکن است بعضی این مطالب را انکار کنند کار جواب آنها میگویم اگر اینطور نیست چرا این اصل در کلیه واژه ها تطبیق میکند؟ متأسفانه هنوز علم زبان شناسی آنطور که باید پیشرفت نکرده تا ما مشکلی بدان شویم و جانی که زبان سنگسری دارای مؤنت و مذکر و مخنث باشد جای هیچ تعجب نیست که فارسی و ترکی با هم قرابت داشته باشد هم چنین وقتی ایلام و انشان و انزان بمعنی ایران ووه گن و ورترغنه و واکن و باگرام و وره رام بمعنی بهرام باشد اینگونه مسائل را نباید یادیده تردید نگریست اینک شمه ای از مطالعات خود را شرح دادم و امید وارم اگر لزوم پیدا کرد این مسائل را بطور تفصیل با اصطلاحات و ادله برای اصل این معنی تشریح کنم بتوفیق خداوند .

فرسنگی ساکن بود زبان آن دیگری را باشکال میفهمید و این خود یکی از مطالبی است که ما را در آنچه میخواهیم بعداً بنویسیم استوار تر سازد . بهر حال در تحقیقات راجع بزبان اردستانی بما ثابت شد که يك دور قبل از هخامنشی و يك دور در زمان اشکانیان اردستان شهری بوده و سلاطین کوچکی در آنجا فرمانروائی داشته اند و آناری که درخور محیطی مانند اردستان بوده از خود باقی گذارده اند مرحوم فرصت مینویسد انوشیروان عادل در اردستان بدنی آمده است و جای هیچ شك نیست که اشکانیان و رسوم آنان کم و بیش با رسوم (یوئه چی Yuéchi)ها و سکاها تطبیق میکرده است و همجواری سکاها با اقوام ترك موضوع تاریخی است و مهاجرت ترکها بطرف ایران از همان زمانی شروع شد که بسکاها فشار آورده آنها را بداخله ایران رانندند و البته هیاطنه و ازبک ها و غزها و دیگران هم بدنبال آنها آمدند اما با همه اینها که عبارت از مسائل مسلم تاریخ است مطلب دیگری برای ما هست تا فرض خود را برای اثبات به میان آوریم و آن اینست که ساکنین اولیه ایران که آریاها با آنها سرچنگ داشته اند چه کسانی بوده اند و آن چه عهدیست که نسبت باوستای زمان اشکانیان (بلاش) عهد تاریخی شمرده شده و در آن از جنک های ایران و توران صحبت شده است و اگر کلمه (تور) که در زبان اردستانی بمعنی وحشی است بنا بر مطالب قبل منشاء اطلاق کلمه توران باشد آیا (آریا آیرییا) بمعنی متمدن نیست ؟

اینک مقدمات و حاشیه گوئی ما تمام میشود و بدون آنکه شمار ادرا انتظار گفتماریم میرویم بسواغ زبان تورانی و با توجه به کتیبه هائی که در آسیای صغیر و ارمنستان بزبان مخصوصی که شبیه ترکی است کشف شده و تاریخ آنرا شش هزار سال قبل تعیین میکنند ؛ توجه با قسائنه های ترکی و روسی که فلان پادشاه که ترکتناوس نام داشت دارای سه پسر بود بنام لی بکشایس (Lypekshaus) اریکشایس (Erpekshaus) کولکشایس (Kulekshaus) که مملکت خود را میان آنها تقسیم کرد و آندو کولکشایس را کشته مملکت را میخواستند تقسیم کنند و این همان افسانه فریدون و ایرج و سلم و تور است و همچنین توجه باینکه زمانی وجود داشته است که ایرانی و تورانی زبان بگد بگررا میفهمیده اند بناگهان بشما و علمای فیلو لوژی اعلام مینمایم که